



حوزه هنری انقلاب اسلامی
استان چهارمحال بختیاری

آی یاشی

برگزیده نثرهای سروده‌های شاعران چهارمحال و بختیاری

مقدمه، ویرایش، پانویست و گزینش نثر

دکتر احمد رحیم‌خانی سامانی

واحد آفرینش‌های ادبی

حوزه هنری انقلاب اسلامی

استان چهارمحال و بختیاری

شهرکرد - تابستان ۱۳۹۵

سرشناسه:	عنوان و نام پدیدآورنده: آی یاشی، برگزیده ترکی‌سروده‌های
رحیم‌خانی سامانی، احمد، ۱۳۴۹-	شاعران چهارم‌حال و بختیاری / احمد رحیم‌خانی سامانی
مشخصات نشر: تهران: سامان دانش، ۱۳۹۵	مشخصات ظاهری کتاب: [۱۳۶] ص.
موضوع: شعر ترکی - ایران - برگزیده‌ها	موضوع: چهارم‌حال و بختیاری - شعر ترکی - برگزیده‌ها
نایسه‌ی افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی- حوزه هنری	عنوان فرعی:
چهارم‌حال و بختیاری- مرکز آفرینش‌های ادبی.	برگزیده ترکی‌سروده‌های شاعران چهارم‌حال و بختیاری
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ آ ۳۳۴ ر/ ۳۱۳ PL	رده‌بندی دیویی: ۸۹۴/۳۶۱۰۹

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۳۸۰۳۴۰۸



آی یاشی، همه، ویرایش، پانوش و گردآوری

دکتر احمد رحیم‌خانی سامانی

برگزیده ترکی‌سروده‌های شاعران چهارم‌حال و بختیاری

نمونه: ع. ا. قادری، سامانی	حوزه‌ی هنری استان چهارم‌حال و بختیاری
ناشر: سامان	طرح جلد: کریم منزوی
چاپ: نقشینه	لیتوگرافی: سروش
شابک: ۹-۰۱-۷۷۶۶-۷۸	آماده‌سازی: واحد آفرینش‌های ادبی
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه	بها: ۸۵۰۰ تومان

رسم‌الخط این اثر مبتنی بر جداولیسی بر اساس هم‌نشینی تک‌واژها است

شهر کرد، بلوار دکتر شریعتی، کوچه‌ی ۵۲، حوزه‌ی هنری استان چهارم‌حال و بختیاری.

صندوق پستی: ۸۱۳-۸۸۱۵۵، تلفن: ۳۲۲۴۲۹۳۵ - ۳۲۲۴۵۰۸۵ - ۰۳۸، تلفکس: ۳۲۲۴۲۹۶۰ - ۰۳۸

www.artshahrekord.iradmin@artshahrekord.ir

فهرست مطالب □

اورگ سۆزی ... ۱۹	س گفتار ... ۹
حسین قلی خان امان بنی ... ۲۹	میرزا اسماعیل خان افشارکی سامانی ... ۲۳
مرتضی تبیان سامانی ... ۳۴	حسن بهادر هو ... ۳۲
احمد حیدری بنی ... ۴۱	هدایت الله ترکی هرچگانر
میرزا ابوالفتح خان دهقان سامانی ... ۵۲	علی اصغر حیدری بنی ... ۵۱
پنجم رستمی جوققانی ... ۶۲	احمد رحیم خانی سامانی ... ۵۴
مهتاب افسون مارکده ... ۷۰	جهان گیر زمانی جوققانی ... ۶۴
ممایون سده سی شهرکی ... ۷۵	آقا محمدخان صفیان بلداجی ... ۷۲
سی کالی هرچگانی ... ۹۰	سامان دخت کییری سامانی ... ۸۵
شهید علی برز نهمانی ... ۱۱۷	جعفر نادری بنی ... ۱۰۷
اشعار مرستی ... ۱۲۵	حسین علی یاری بلداجی ... ۱۲۰
قایناز ... ۱۳۱	شاعرلر فهرستی ... ۱۲۸
örög söze ... ۱۳۴	

☑ پیش گفتار

زبان و ادبیات ترک، از دید باز و در گستره‌ی وسیعی از شرق تا غرب آسیا و بخش‌هایی از اروپای شرقی، حیات خود ادامه داده‌است. در میان کم‌تر قوم و ملتی می‌توان به تنوع زبان و فرهنگی ترک‌زبانان و ترک‌نژادان بازخورد.^۱ اقوام و طوایف ترک پس از پراکندگی در مناطق مختلف ایران، فرهنگ و زبانشان را نیز با خود به مناطق جدید رساندند. در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری، ترکی آذربایجانی^۲ در ایران پا گرفت و رکنار آن، ادبیات

۱. برای آگاهی از این تنوع، ر.ک: آذربایجان تورکجه‌سی سۆزلوگو، ج ۱، ص ۷۹۳ به بعد.

۲. خوانندگان باید بین «ترکی آذربایجانی» به عنوان یکی از گویش‌های زبان ترکی و «فارسی آذری»، به

عنوان یکی از گویش‌های کهن فارسی، تفاوت قائل شوند، ر.ک: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵/۱، ص ۴۲۸.

قابل توجهی را عرضه کرد و امروزه بخش قابل توجهی از جمعیت ایران، یا به زبان ترکی سخن می‌گویند و یا این زبان را به‌خوبی می‌فهمند.^۱

در استان چهارمحال و بختیاری نیز تعداد زیادی از اقوام ترک آذری^۲ و قشقایی، از سال‌ها قبل، در اکثر مناطق آن، خصوصاً «چهارمحال»^۳ ساکن شده‌اند. توضع اقوام ترک در کنار اقوام دیگر، باعث شد تا اندک‌اندک تبادل فرهنگی دوسویه‌ای میان آنان رخ دهد. تحولات سیاسی و اجتماعی ایران طی قرون مختلف، و فرود حاکمیت و غلبه‌ی اقوام ترک و خصوصاً قطع ارتباط ترک‌زبانان چهارمحال و بختیاری با ترکان آذربایجان و ایلات

۱. برخی حتی معتقدند که «نزدیک به یک‌سوم جمعیت ایران به زبان ترکی آذری سخن می‌گویند و اغلب با زبان فارسی به عنوان زبان مشترک می‌زنند». زبان رسانه‌ها سروکار دارند» و یک فرهنگ آذربایجانی - فارسی «ترکی» می‌شناسند.

۲. منظور از ترکی آذری در اینجا، گستره‌ی وسیع آذربایجان است. کشور آذربایجان و بخش‌هایی از جمهوری داغستان روسیه است.

۳. چهارمحال و بختیاری، از دو بخش کلی «چهارمحال» و «بختیاری» تشکیل شده‌است. بخش نخست که در گذشته شامل چهار محل به نام‌های «لار، کیار، میزدج و گندم» بوده بیش‌تر شامل مناطق مرکزی و شرقی و بخش «بختیاری»، شامل بخش‌های مرکزی و غربی است. اقوام بخش «چهارمحال» از نظر زبانی و گویشی، اغلب فارس‌زبان، ترک‌زبان و گروهی نیز ترکی‌زبان هستند و بخش «بختیاری»، عمدتاً شامل اقوام لرگویش است.

۴. دوست فاضل و عزیزم جناب آقای «بابک زمانی‌پور» ترکان استان را به دو گروه عمده‌ی ترک قشقایی - که ریشه‌ی آذری دارند - و ترکانی که از عصر سلجوقی به استان کوچیده یا کوچانده شده‌اند، تقسیم می‌کند. دوست دیگرم، آقای «علی کیانی هرچگانی»، ترکی مردم شهرستان سامان و بن و خصوصاً اهالی هرچگان را، همسان با ترکی مردم «دریوند» در جمهوری داغستان روسیه می‌داند. به نظر می‌رسد اظهار نظر بیش‌تر در این زمینه، نیازمند یک پژوهش تاریخی و زبان‌شناختی است.

قشقای، باعث شد تا اندک‌اندک، زبان ترکی در میان ترک‌نشینان شهری و روستایی استان، روزبه‌روز محدود و محدودتر شود.

آغاز این محدودیت زبانی، فاصله‌گرفتن ترک‌زبان‌های استان از نگارش به زبان ترکی بود. اگر تا دویست یا سیصد سال قبل، باسوادان ترک در این استان می‌توانستند به راحتی، به زبان ترکی بنویسند و بخوانند، آرام‌آرام ترکی‌نویسی در میان ایشان کم‌رنگ شد؛ با این حال هنوز خواندن متون ترکی رایج و اسکان‌پذیر بود. بسیاری از مردم، آثار شاعران و نویسندگان ترک را می‌خواندند و حتی می‌توانستند قباله‌ها و برخی نوشته‌های دیگر را نیز به ترکی بنویسند.^۱

با گذشت زمان و ردی شدن به سده‌ی اخیر، خواندن متون ترکی، بسیار محدود شد و به جای پیران و پیرزنان پایه‌سین‌گذاشته‌ی باسواد، کم‌کسی را می‌شد سراغ داشت که کتاب‌ها و گنجینه‌های زبان و ادبیات ترکی را بتواند بخواند یا حتی داشته‌باشد.^۲

۱. به عنوان مثال می‌توان به «میرزا عبدالوهاب بن مهدی ساری» متخلص به «قطره»، از شاعران عصر قاجار اشاره کرد که تاریخ عمومی «مُجمل التواریخ» را از ترکی به کسریم ترجمه کرده‌است. درباره‌ی زندگی و احوال او رجوع کنید به مقاله‌ی نگارنده با عنوان «قطره‌ی سامان فافله» در «شاعران سامان» در: «میراث من سامان» (مجموعه‌ی مقالات برگزیده‌ی هم‌آیش میراث من سامان)، زیر نظر احمد رحیم‌خانی سامانی، شهرکرد: سامان دانش، ص ۹۷ به بعد.

۲. البته هنوز بودند شاعرانی که نوحه‌ها و مرثیه‌ها را در تعزیت سالار شهیدان و دیگر انچه، به زبان ترکی می‌سرودند. تا همین اواخر، حتی بازار خوانش نوحه‌ها و مرثیه‌ها «میرزا محمدتقی بن ابراهیم تاجر دربندی شیروانی»، متخلص به «فُمری» و صاحب «دیوان اشعار»، «کنزالمصائب» و «گلزار حسینی» رواج بسیاری داشت و شاید آن مجموعه، جزو آخرین حلقه‌های اتصال ترک‌زبانان برخی مناطق ←

طی چند دهه‌ی اخیر و گسترش آموزش و پرورش نوین و حاکمیت زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و معیار در کشور، اگرچه بسیاری از مردان، زنان، جوانان و کودکان توانستند از نعمت سواد و خواندن به زبان فارسی بهره‌مند شوند، ولی این چیرگی و مناسبات مختلف دیگر، باعث شد تا احساس نیاز، حفظ و گسترش زبان، فرهنگ و ادبیات ترکی، رنگ ببازد و هر روز بیش‌تر پیش، ترکی‌نویسی، ترکی‌خوانی، ترکی‌گویی و ترکی‌دانی، کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر شود.

متأسفانه دید آثار کنیم، امروزه تعداد کسانی که در میان ترک‌زبانان استان می‌توانند به زبان ترکی بنویسند و به راحتی متون ترکی را بخوانند، بسیار اندک شده‌است. از چنگ نمانده را واداشت تا به فکر گردآوری این کتاب بیفتد، همین رنگ خطری است که اکنون به صدا درآمده و لهجه‌های ترکی محلی را که فقط و فقط بر ترکی شفاهی با به قول آذربایجانی‌ها، «دیل جاوابی»، یعنی ترکی رنگ و روباخته‌ی فعلی متکی است، در معرض نابودی قرار داده‌است.

→ چهارمحال و بختیاری، با زبان ترکی بوده‌است. دریاره‌ی قمری، رک: ریحانه‌الادب، ۸۸۸، الذریعة

الی تصانیف الشیعة، ۱۸: ۱۶۶ و ۹/۳: ۸۸۸.

۱. این مشکل در خصوص نثر ترکی، ملموس‌تر است.

۲. این مشکل در خصوص گویش لری و دیگر لهجه‌های فارسی نیز کمابیش وجود داشته‌است. البته طی سال‌های اخیر، هم‌استانی‌های لُر زبان، توانسته‌اند با برنامه‌ریزی‌های پسندیده، نهضتی را ایجاد نمایند تا گویش، فرهنگ و ادبیات لُری، احیا و حتی قادر به خلق آثار شایسته‌ای گردد. متأسفانه طی یک ←

البته جای شکرش باقی است که هنوز هستند، شاعرانی که می‌توانند به ترکی محلی شهرها و روستاهای خود، شعر بگویند. نمونه‌ی قابل ذکر این نوع آثار، جلد سوم دیوان چاپ‌نشده‌ی دوست عزیزم آقای علی کیانی هرجگانی و نیز منظومه‌ی «یاشاسین شهر کیان» اثر دوست عزیز دیگرم جناب آقای همایون علی‌دوستی است که در ۱۳۸ صفحه، با بی‌گیرهای حوزه‌ی هنری استان و از سوی انتشارات سوره‌ی مهر به انتشار رسید.

نگارنده باید به نکته‌ی دیگری نیز اشاره نماید و آن این‌که، ظاهراً تفاوت شکل نوشتار و کلمات در زبان ترکی با شکل گفتاری آن، تا آن‌جا که نگارنده دست‌نخورده، بیش از زبان فارسی است و این مسأله باعث شده تا ترک‌زبانان اغلب ناطقه‌ی ایران، هنگام نوشتن به این زبان، دچار دشواری شوند.^۱ این دشواری زمانی بیش از پیش احساس می‌شود که اقوام و طوایفی نظیر ترکان چهارمحال و بسیاری که از دانون‌های اصلی و مادری خود، یعنی ترکان قشقایی و مناطق شمال غرب ایران، اندکی دور افتاده‌اند، شکل

→ قرن اخیر، به دلیل مهاجرت ارامنه و کلیمیان استان، زبان، فرهنگ و ادبیات ارامنه، کمی، تقریباً از میان رفته‌است.

۱. یاشاسین شهر کیان، سرایش و ترجمه: همایون علی‌دوستی شهرکی، تهران: سوره‌ی مهر، ۱۳۹۰.

۲. ظاهراً همین عامل، بهانه‌ای شد تا در کشور ترکیه، خط ترکی که مبتنی بر الفبای فارسی و عربی است، به خطی مبتنی بر الفبای لاتین تبدیل شود.

محاوره‌ای کلماتشان در سطح آوایی،^۱ سطح صرفی و ساختار جملاتشان در سطح نحوی و حتی سطوح بالاتر زبانی، یعنی سطح معنایی، کاربردی و گفتمانی، به دلیل تأثیرپذیری از زبان فارسی و نیز قطع ارتباط فرهنگی و عوامل دیگر، از شکل گفتار و نوشتار معیار ترکی، فاصله‌ی زیادی بگیرد.

در چند فاصله گرفتن لهجه‌ها و گویش‌های مختلف از زبان اصلی در هر زبان، آه‌ری بدیهی و طبیعی است، با این حال، تذکر نگارنده در این‌جا بر این نکته است که اگر امروزه، یک ترک‌زبان در چهارمحال و بختیاری یا مناطقی با وضعیت مشابه آن، بخواهد، شعر یا نوشته‌ای را به زبان ترکی بنویسد، سه راه پیش رو، درست

راه نخست این‌که چه در شعر، چه در نثر، باید دقیقاً همان تلفظ محلی را در نگارش ترکی خود، رعایت کند. مثلاً یک ترک‌زبان اهل «سامان»، متن زیر را:

نگارنده ابتدا می‌خواست در «سم‌الط» شعرها دست
ببرد یا آن‌ها را تغییر دهد، ولی صمیمی گشت، تنها
اشتباهات فاحش و غلط‌های املائی کلمات را اصلاح
کند و به ساختار شفاهی اشعار دست نزنند.

۱. امروزه بیش‌تر ترکان چهارمحال و بختیاری، در سطح آوایی، دستگاه آوایشان به زبان فارسی بسیار نزدیک شده، به گونه‌ای که گویی یک فارس‌زبان با همان دستگاه آوایی فارسی، در حال سخن گفتن به زبان ترکی است.

با کمی تفاوت در نگارش فردی، به صورت زیر بنویسد:

نگارنده اول ایسیرده شعرلر نگارشلرنه ال آپاره یا

دگیشه، اما تصمیم توته، فقط فاحش اشتباهلر و

کلمات املالرنه، قیره و شفاهی شعرلره، ال قویمیه.

راه دوم آن است که این متن را مانند شیوهی مرسوم نویسندگان محترم و اصل آذربایجانی و یا قشقای، متأثر از صرف و نحو و ساختار زبان ترکی آری یا قشقای بنویسد که احتمالاً تفاوت‌های بسیاری با نگارش ترکی بالا خواهد داشت. آن بزرگواران بنده را به خاطر پی‌روی نکردن از آن روش، بازخواست خواهند داد!

راه سوم این است که آن جمله را با اندکی تفاوت در نگارش‌های احتمالی فردی، به این صورت بنویسد:

نیگارنده اول ایسیرده شعرلر نیگارشلرنه ال آپاره یا

ددهیشه، اما تصمیم توتا فقط فاحش اشتباهلر و کلمات

املالرنه، قایرئله و دیل جاوابی شعرلر، ال قویمیه.

در این روش، اساس نوشتار، بر گفتار و لهجه‌ای است، ولی رسم‌الخط و شکل کتابی کلمات، مطابق با رسم‌الخط و نگارش شکل اصلی کلمات در زبان ترکی است.

۱. یقیناً اهالی جوقان، بن، سودجان، شهر کیان و دیگر مناطق ترک‌نشین استان، همین جمله را می‌توانند به شکل‌های دیگری بنویسند. اشاره به شهر سامان صرفاً از این جهت است که نگارنده با لهجه‌های اهالی مناطق دیگر آشنا نیست.

راقم سطور، از میان سه شیوهی بالا، برای زبان و ادبیات ترکی مناطقی مانند چهارمحال و بختیاری، راه اول و دوم را نمی‌پسندد. اشکال روش نخست این است که اگرچه نویسندگان و خوانندگان ترک‌زبان، به راحتی می‌توانند، متن را بنویسند و بخوانند، ولی هرگز این فرصت را نمی‌یابند تا با شکل اصلی و مابار مکتوب کلمات و جملات، حتی در لهجه‌ی خود آشنا شوند.^۱ اشکال دوم نیز این است که نوشتن به زبان رسمی و مکتوب و معیار آذری یا قشقایی، برای خواننده‌ی محلی آن نوشته‌ها، اولاً دشوار است و ثانیاً ساختارهای گوناگون کلمات و جملات آن‌ها نیز با گویش‌ها و لهجه‌های ترکی ترک‌زبانان چهارمحال و بختیاری، گاه فاصله‌ی بسیاری دارد. به عنوان مثال بسیاری از کلمات و اصطلاحات ترکی آذری یا قشقایی در میان مردم این مناطق رواج ندارد و در عوض، کلمات و اصطلاحات بسیاری نیز، چه ترکی و چه غیر آن، در میان اهالی این مناطق به کار می‌رود که در مناطق دیگر رواج ندارد. افزون بر این، چنین شیوه‌ی مس‌زیم فراگیری گفتار و نگارش معیار آذری و قشقایی و فراگیری بسیاری از لغات و اصطلاحات آنان است.

شیوه‌ی سوم که نگارنده آن را برای گویش‌ها و لهجه‌ی محلی ترکی، پیشنهاد می‌نماید، شیوه‌ی بینابین است؛ یعنی نه آسان‌خواهی روش نخست را دارد و نه تمامیت‌خواهی روش دوم را. در این روش و با کمی مس‌زیم و تمرین، به راحتی می‌توان هنگام خواندن چنین متونی، از یک سو، نیم‌نگاهی به

۱. این روش در تئوریمی دچار مشکلی بزرگ است، زیرا شبیه آن است که یک فارس‌زبان، بخواهد مطالب علمی و یا روزمره‌ی خود را به گفتار شکسته‌ی عامیانه و محاوره‌ای بنویسد!

کلمات اصلی و معیار ترکی داشت و از دیگر سو از گویش یا لهجه‌ی محلی نیز، فاصله نگرفت.^۱

نگارنده از تمام ترک‌زبانان ایران این خواهرش را دارد که هنگام برخورد با گویش‌ها و لهجه‌های ترکی، خصوصاً گویش‌ها و لهجه‌هایی که در مناطق جنوبی‌تر یا شرقی‌تر، تکلم می‌شوند، هرگز در مقام مقایسه و احیاناً تمسخر یا تعجب برنمایند.^۲ این مسأله، یعنی تفاوت لهجه‌ها و گویش‌ها با زبان معیار، امری طبیعی است و در هر زبانی وجود دارد.

از همان کسی که می‌تواند به ترکی بنویسد و یا بسراید، خواهشمندم که تمام توان خود را برای حفظ زبان ترکی در مناطق مختلف استان به کار ببرند. یقیناً غفلت امر از، در آینده خسارات جبران‌ناپذیری به پیکره‌ی زبان، فرهنگ و ادبیات ترکی وارد خواهد کرد. «آی یاشی»، اگرچه مجموعه‌ی یک‌دستی به نظر نمی‌رسد، بلکه برای اثبات آن ممکن است، در حد و اندازه‌های شعر خوب ترکی نباشند، با این حال در آن، نمونه‌های درخوری نیز وجود دارد که قابل اعتنا هستند. شاید این تعبیر، نگاه نخست مورد پستد

۱. برای این منظور داشتن یک فرهنگ لغت ترکی آذری یا قشقایی، می‌تواند بسیار، مشکلات را حل کند.

۲. نمونه‌ی چنین برخوردهایی را نگارنده و اغلب ترک‌زبانان نظیر او، هنگام مسافرت، در مناطق شمال غرب ایران، یا در دوران دانش‌جویی یا خدمت سربازی و برخورد با ترک‌زبانان آن نواحی دیده‌اند. گاهی نوع نگاه و نیز تعجب ترک‌زبانان مناطقی مانند، آذربایجان‌های شرقی و غربی، زنجان، اردبیل و قزوین، با ترک‌زبانان مناطق دورافتاده از کانون‌های زبان ترکی، باعث می‌گردد که آنان، عطای ترکی گفتن را به لغزش ببخشند.

همگان قرار نگیرد که انتشار این کتاب، حکم زنگ خطری را دارد که هشدارش، ممکن است در برخی موارد، چندان خوش‌آیند نباشد، اما جدی‌گرفتنش، یقیناً در آینده ما را به رشد و بالندگی ادبیات و شعر ترکی در استان، امیدوار خواهد نمود. به هر حال نگارنده اذعان دارد که این اثر، بیش از آن‌که بار ادبی آن مدّ نظر بوده‌باشد، کارکرد زبانی و احیاءگری آن در نظر بوده‌است.

در پایان باید یاد از پی‌گیری‌های جناب آقای حجت‌الله شیروانی، رئیس محترم حوزه هنر استان و معاون فهیم و گرامی ایشان، جناب آقای قاسم اسماعیلی مراد سپاس و قدردانی خود را اعلام نمایم. هم‌چنین از بزرگواری خانم‌ها عذرا قادری، سامان، نساء، درفش سامانی، سامان‌دخت کبیری سامانی، آقایان علی کیانی، جاسم، ملو، فرحیدری بنی و جعفر نادری بنی به خاطر هم‌کاری صمیمانه با نگارنده و از همه‌ی ترک‌زبانانی که با صبر و حوصله، بارها و بارها، اشتباهات ترک‌نویسانان چمن من را گوش‌زد و اصلاح نمودند، سپاس‌گزارم و برای تمامی آنان و عزیزان که نگارنده را در انتشار این اثر یاری نمودند، پیروزی و سربلندی آرزو می‌نمایم.

احمد رحیم‌خانی، امانی

سامان - زمستان ۱۳۹۳

✉ rahimkhani@chmail.ir